

## عبدالرفیع حقیقت (رفیع)

### نهضتهاي ملي ايران

(۹۵)

#### واپسین دوران حکومت دیلمیان

از پادشاهی آشفته ولی طولانی بهاء الدوله پسر عصبدالدوله که مرکز آن در جنوب ایران بود و از بغداد تا فارس و کرمان امتداد میافتد درورقهای گذشته صحبت شد ، با توجه به اینکه وقایع و سوانح اختلاف مربوط به فرزندان عصبدالدوله و برادرانش در این زمان با تصادمات کردن دیلمیان در بین النهرین همراه بود خیلی زود استحکام رژیم آل بویه را در هم شکست بعلاوه این حوادث به شرف الدوله فرصت داد تا با تمام قوا از فارس بر ضد برادرش ابوالحسین (تاج الدوله) که از شناسائی وی امتناع میورزید و پیشنهادهای همکاری با او را رد کرده بود پیش روی کند . در نتیجه تاج الدوله ناگزیر شد به سوی عمومی خود فخر الدوله فرار نماید ، ولی به زودی همین تاج الدوله با فخر الدوله نیز اختلاف پیدا کرد و فخر الدوله دستور کشتن او را صادر نمود ، در این میان نیز شرف الدوله اهواز و بصره را بتصرف در آورد و صمصم الدوله برادر خود را ناگزیر ساخت تا نام وی را اول از همه در خطبه ذکر نماید (۱) لیکن این قرار داد مدت زیادی به قوت خود باقی نماند و بموجب

۱ - این ائير جلد نهم صفحه ۱۵ به بعد

آن شرف‌الدوله برادرش را بکلی از بین النهرین بیرون راند و اسیر کرد (۳۷۶ هجری).

با این نتیجه که میان دیلمیان و ترکها در بغداد زد و خوردها و کشمکشها بی پظاهر پیوست در مقابل کوشش شرف‌الدوله برای پیکار بر ضد فرمانروای کرد یعنی بدربه عدم موقیت انجامید و موجب شکست وی در قرمیسین (کرمانشاه) گردید، از آن پس بدر توانست حوزه نفوذ خود را در مناطق جنوبی کوهستانهای کردنشین توسعه دهد، درحالی که حیثیت و اعتبار آل بویه (دیلمیان) همچنان رو به زوال میرفت (۴۷۷ هجری) بخصوص همینکه شرف‌الدوله در سال ۳۷۹ هجری درگذشت و جانشین و برادر دیگرش یعنی بهاء‌الدوله (ابونصر پیروز خوارشاد) با پسر او ابوعلی اختلاف پیدا کرد.

متوجه دولت آل بویه بیشتر آشکار شد. ابوعلی پسر شرف‌الدوله توانست بطور موقع فرمانروایی خود را در فارس ثبیت کند، ولی بعد در نتیجه جنگی برادرکشی میان ترکان و دیلمیانی که در لشگر او بودند دچار ضعف گردید، و پس از آنکه بر حسب ظاهر در اوامیت آشتی کرد (جمادی الآخری سال ۱۸۰ هجری) بدست بهاء‌الدوله اسیر و کشته شد (۱).

در این موقع، مجدداً در بنداد میان ترکها و دیلمیان تصادماتی به وقوع پیوست، و سرانجام فخر الدوله از ری واژ راه‌هندان بجانب بین النهرین پیشروی کرد، حکومت آل بویه بیش از پیش دستخوش تجزیه داشتی گردید. حمدانیان توانستند دوباره به موصل بر گردند و هراونیان خود را در دیاریکو مستقر سازند. خلافت طائع الله در شعبان سال ۳۸۱ هجری بدست - بهاء‌الدوله پایان یافت. در موقعی که بعد از این واقعه بهاء‌الدوله پس از پیکارهای بی نتیجه اخیرش

ناگزیر فارس و ارگان (ارجان) را به برادر خود صمصادم‌الدوله (که پس از مرگ شرف‌الدوله نایب‌النیاز زندان آزاد شده بود) واگذار کرد (۳۸۰ هجری) و خود در بین النهرين به عنوان امیر‌الا مراء باقی ماند. پایه‌های حکومت آل بویه در ایران با وجود تعهداتی مبنی بر کمک متقابل به اندازه‌ای سست شده بود که خلف بن احمد حکمران جدید سیستان که پسر یکی از شهبانوان صفاری بود با مساعدت پسرش عمر و توائیت لاقل برای مدتی کوتاه‌کرمان را بتصرف در آورد. (سال ۳۸۱ هجری).

این عمل یک اقدام جسورانه‌ای بود که در سال ۳۷۲ هجری به انجام آن موفق نشد و در عین حل قدرت صمصادم‌الدوله در نتیجه تسخیر مجدد کرمان و سرکوبی قیام پسران ابو منصور بختیار، عز‌الدوله (پسر معز‌الدوله) در شیراز تا آن اندازه مستقر شد که لاقل توائیت برای مدتی نیز خوزستان را در تحت قدرت خود در آورد (۳۸۲ هجری) در سالهای بعد دوباره خوزستان بدست بهاء‌الدوله افتاد و در حالی که صمصادم‌الدوله در حوالی شوستر گرفتار کمینگاه ترکها شد و ناگزیر به مراجعت گردید، ولی او پس از مراجعت به فارس انتقام خود را از لشکریان ترک آنجا گرفت (۳۸۶ هجری) بطوریکه قسمتی از آنها به کرمان و سندگری یافتند و بزودی از میان رفته‌اند (۱) برای منوال نیز مبارزاتی که در همان سال بر ضد لشکریان بهاء‌الدوله در اهواز به عمل می‌آمد و بر اثر آن پیشروی به سوی بصره (۳۸۶ هجری) همه در واقع صفت آرایه‌ای جنگهای بود که بین ترکان و دیلمیان به وقوع می‌پیوست، در نتیجه این حوادث صمصادم‌الدوله تمام دسته‌هایی را که بطور واقعی دیلمی و نیز شیعه مذهب نبودند از سپاه خود خود اخراج کرد.

۱ - ذیل تجارب الامم صفحه ۲۶۴ به بعد وابن اثیر جلد نهم صفحه ۳۸

نتیجه این عمل آن شد که اخراج شدگان با عناصر ناراضی دیگر متحد گشتند و قشونی را که برای سرکوبی ایشان فرستاده شده بود منهدم کردند و به زودی امیرآل بویه (دلیمیان) را بطوری از تمام اسباب و وسائل محروم ساختند که حتی کددخای ناحیه کوچکی به نام دودمان (محلى) که فاصله آن تا شیراز مقدار دور روزراه بود) توانست او را اسیر کند و سپس به یکی از پیشوایان قیام کنندگان به نام ابونصر پسر بختیار تسليم نماید. ابونصر بن بختیار نیز وی را پس از ۹ سال فرمانروایی در حالی که ۳۵ سال و شش ماه از عمرش میگذشت به قتل رسانید (ذی الحجه سال ۳۸۸ هجری) بدینوسیله حکومت بهاء الدوّله در عراق بطور کامل تثبیت و تأمین شد چه اینکه در این بین نیز فخر الدوّله برائی بیماری معده درری در گذشته بود (شعبان سال ۳۸۷ هجری) و منطقه نفوذ او (چپال) میان دو پسر بسیار کوچکش ابوطالب رستم (مجد الدوّله) چهارساله و ابو طاهر شمس الدوّله (به این پسر همدان و قرمیسین تا سرحدین النهرین رسید) تقسیم گردیده بود و نیابت سلطنت را مادر ایشان (سیده خاتون) شیرین (متوفی به سال ۱۹ هجری) که دختر رستم باوندی اسپهبد طبرستان بود، بر عهده داشت. اسپهبد رستم کسی بود که لااقل برای مدتی بطور موقت در کنار برادرش شهریار در پریم (پیروزآباد یا فیروزآباد مازندران) فرمانروائی کرده بود، در تحت چنین شرایطی بهاء الدوّله توانست در سال ۳۸۹ هجری براساس قراردادی با رهبران لشکرهای سرکش خوزستان و فارس و پس از آن نیز (در ضمن دفع مقاومنهای محلی) کرمان را به تصرف در آورد.

برائی این کار سرانجام دو نفر از افسران موثر تاگزیر به فرار گشتند و کوشش ابونصر براینکه از دیلم مجدد آکرمان را به تصرف آورد (۳۹۰ هجری) به شکست او و بالآخره هنگامی که تعقیب میشد به مرگش منجر گشت (۱) و

بدین ترتیب منطقه - فرمانروایی آل بویه در جنوب ایران و نیز در بین النهرین در زیر قدرت بهاء الدوله قرار گرفت . این امیر کوشید با عزل و احضار فرماندارانی که فوق العاده جسور و خود خواه شده بودند موافقت مردم را نسبت بخود جلب نماید و بدینوسیله تا آن حد موفقیت یافت که پیشوای طاهربن خلف (که با پدرش اختلاف پیدا کرده بود) از جانب سیستان به کرمان (۳۹۱ هجری) در نتیجه مقاومت ساکنان آنجا بی ثمرماند . (۱) در این وضع موقعیت قدرت بهاء الدوله خود را تزلزل ناپذیر نشان میداد و روی این اصل آل بویه از عواملی بودند که در تاریخ نهضتهاهی ملی ایران جای بس ارجمندی را باید برای آنان منظور داشت (۲) اما زوال کلی دولت شیعه مذهب آل بویه (دلیمیان) از زمانی شروع شد که ترکها در خاور ایران خود را برای حمله به ایران آماده میکردند بدین جهت آخرین سالهای دوران حکومت این سلسله با جنگ میان بازماندگان بویه و ترکها گذشت .

بعد از سامانیان که توسط ترکان قرار خانی و غزنوی از میان رفتند ، خاندان بویه بوسیله سلجوقیان مضمحل شدند (سال ۴۴۷ هجری) طغول بیگ به بغداد رسید و مذهب تسنن را آئین رسمی اعلام کرد و آخرین امیر خاندان بویه الملک الرحیم در قلعه طبرک واقع در نزدیکی ری محبوس شد و تا پایان عمر در آنجا بود . در سال بعد (سال ۴۴۸ هجری) هم فارس از دست الملک المنصور برادر الملک الرحیم خارج شد و بدست سلسله رقیب او شبانکاره افتاد . سلجوقیان نیز کمی بعد به قلمرو الملک المنصور رسیدند و برادر دیگر او را به امارت آن نواحی برداشتند ، ولی چون او در سال ۴۸۷ هجری در گذشت بیک حاکم ترک بجای او منصوب گردید و بساط - بازماندگان خاندان بویه که در ری و بغداد و شیراز بودند بدینگونه برچیده شد .

۱ - این اثیر جلد نهم صفحه ۵۸ ۲ - تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی

تألیف بر تولد اشپولر آلمانی ترجمه دکتر جواد فلاطوری صفحه ۱۸۹